




University of Tehran Press

## Refugee Rights in the European Union and Judicial Precedent of European Court of Human Rights

Abbasali Kadkhodaei<sup>1</sup> | Jeyran Asemi<sup>2</sup>

1. Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [kadkhoda@ut.ac.ir](mailto:kadkhoda@ut.ac.ir)
2. Corresponding Author; Ph.D. Student in international law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [jeyran9574@gmail.com](mailto:jeyran9574@gmail.com)

Article Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article	<p>After the end of the world wars, one of the main crises in Europe is the influx of refugees. Following the establishment of the European Union controlling the refugee affairs in the territory of the European Union is considered as one of the most important priorities of the EU member states with regard to the protection of the rights of refugees. The present study seeks to examine how the rights of refugees are guaranteed in the European Union. The assumption is that the method of guaranteeing the rights of refugees can be examined in two stages. Upon arrival in the European Union, refugees shall be subject to the rules adopted by the EU's legislative bodies on the rights of refugees when registering and examining an asylum application and following the acceptance of their asylum application and residence in the Member States of the Union, their rights are guaranteed by the European Court of Human Rights through the establishment of important judicial precedent. The commitment to guarantee the rights provided to refugees by the initiatives of the European Union and the European Court of Human Rights is in line with other human rights obligations in this area.</p>
<b>Pages:</b> 1-17	
<b>Received:</b> 2022/01/31	
<b>Received in Revised form:</b> 2022/04/11	
<b>Accepted:</b> 2022/05/22	
<b>Published online:</b> ---/--/--	
<b>Keywords:</b> <i>Asylum Seeker, European Union, European Court of Human, Refugees Law, Refugee Rights.</i>	
<b>How To Cite</b>	Kadkhodaei, Abbasali; Asemi, Jeyran (2024). Refugee Rights in the European Union and Judicial Precedent of European Court of Human Rights. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , -- (--), 1-17. DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/jplsqt.2022.338304.3024">https://doi.com/10.22059/jplsqt.2022.338304.3024</a>
<b>DOI</b>	10.22059/jplsqt.2022.338304.3024
<b>Publisher</b>	The University of Tehran Press. 



## حقوق پناهندگان در اتحادیه اروپایی و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر

عباسعلی کدخدایی<sup>۱</sup> | جیران عاصمی<sup>۲</sup>۱. استاد گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [kadkhoda@ut.ac.ir](mailto:kadkhoda@ut.ac.ir)

۲. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: [jevran9574@gmail.com](mailto:jevran9574@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> پژوهشی</p> <p><b>صفحات:</b> ۱-۱۷</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۰/۱۱/۱۱</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۰/۰۱/۲۲</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۱/۰۳/۰۱</p> <p><b>تاریخ انتشار برخط:</b> ---/--/--</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> اتحادیه اروپایی، پناهنده، پناه جو، حقوق پناهندگان، دادگاه اروپایی حقوق بشر.</p>	<p>پس از پایان جنگ‌های جهانی، یکی از بزرگ‌ترین بحران‌ها در اروپا ورود پناهندگان است. در پی دنبال ایجاد اتحادیه اروپایی کنترل امور پناهندگی در قلمرو اتحادیه با نظر بر حفظ حقوق پناهندگان از اولویت‌های مهم کشورهای عضو اتحادیه تلقی می‌شود. پژوهش حاضر به دنبال بررسی چگونگی تضمین حقوق پناهندگان در اتحادیه اروپایی صورت گرفته است. فرض بر این است که شیوه تضمین حقوق پناهندگان در دو مرحله قابل بررسی است. پناهندگان در بدو ورود خود به اتحادیه مشمول مقررات تصویب شده از سوی ارگان‌های تقنینی اتحادیه در زمینه حقوق پناهندگان به هنگام ثبت و بررسی درخواست پناهندگی خواهند بود و در پی پذیرش درخواست پناهندگی و اقامت در کشورهای عضو اتحادیه، تضمین حقوق اقامتی آنها توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر از طریق ایجاد رویه‌های مهم قضایی صورت می‌پذیرد. تعهد بر تضمین حقوقی که به واسطه ابتکار عمل اتحادیه و دادگاه اروپایی حقوق بشر برای پناهندگان در نظر گرفته شده است، همگام با سایر تعهدات حقوق بشری در این زمینه الزام آور است.</p>
<b>استناد</b>	کدخدایی، عباسعلی؛ عاصمی، جیران (۱۴۰۳). حقوق پناهندگان در اتحادیه اروپایی و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، -- (--)، ۱-۱۷. DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/jplsq.2022.338304.3024">https://doi.com/10.22059/jplsq.2022.338304.3024</a>
<b>DOI</b>	10.22059/jplsq.2022.338304.3024
<b>ناشر</b>	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



## ۱. مقدمه

بیم و هراسی از یک آزار و تهدید بر مبنای رنگ، جنسیت، نژاد، مذهب، تابعیت، عضویت در گروهی اجتماعی و یا داشتن عقیده سیاسی خاصی، سبب به وجود آمدن پدیده‌ای عظیم و دردسرساز به نام پناهندگی در جامعه جهانی شده است. پدیده‌ای که هر روز بر وسعت آن افزوده شده و گذر زمان در کنار اقدامات حقوقی پیش‌بینی شده در نظام حقوقی بین‌الملل نه تنها این مشکل را حل نکرده است، بلکه هر روز جنبه‌ای از این بحران در سراسر جامعه جهانی آشکار می‌شود.

اینکه پناهنده کیست و چه حقوقی دارد را باید در دو سند مهم بین‌المللی یعنی کنوانسیون ۱۹۵۱ وضعیت پناهندگان و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ بر این کنوانسیون جست‌وجو کرد. با توجه به ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱، پناهنده فردی است که یا توان یا تمایل برای بازگشت به کشور متبوع خود را به دلیل ترس از آزار به جهاتی مانند نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه‌های خاص و عقاید سیاسی و غیره ندارد.

پناهنده در معنای موسع شامل پناهجویان نیز می‌شود. فرد پناه‌جو کسی است که با عنوان و ادعای ترس از آزار که مشخصات ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ را دارد، از کشور دیگری درخواست پناهندگی می‌کند و مادام که درخواست پناهندگی فرد، دلایل ادعایی او برای پناهندگی و مبنای نقض حقوقش مورد شناسایی و رسمیت‌بخشی از سوی کشور مورد تقاضا قبول واقع نشده باشد، فرد در مرحله پناهجویی به سر می‌برد (موسی‌زاده و آذریندار، ۱۳۹۷: ۲۵).

پناهنده و پناهجویی که در انتظار لقب پناهنده است، امروزه از مشکلات و بحران‌های اساسی جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود و در این میان قلمرو تحت کنترل اتحادیه اروپایی از جمله مقاصد مهم افرادی است که به دنبال سرزمینی امن برای ادامه حیات از کشور متبوع یا محل اقامت خود به سمتش حرکت می‌کنند. بر اساس بیانیه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵، از ۱۰۱ میلیون نفر پناه‌جو ثبت‌شده در اروپا، بیشتر افراد از کشورهایی هستند که آنجا با خطر جنگ و آزار روبه‌رو بوده‌اند و در همین زمینه ادعای پناهجویی از سمت آنها منطقی است (Fullerton, 2017: 47).

با توجه به همین مسئله تضمین حقوق پناهندگان در اتحادیه اروپایی از جمله اولویت‌های مهم کشورهای عضو تلقی شده است و تلاش برای یافتن راه‌حلی پایدار و مناسب در جهت کنترل بحران پناهندگی در اروپا در قالب تصمیمات ارکان مهم اتحادیه به ثمر نشست است. با پایان سال ۲۰۲۰ تعداد پناهندگان در اروپا سه درصد افزایش یافته است و دلیل آن اعطای حمایت‌های بین‌المللی موثر به این افراد است.<sup>۲</sup>

1. Convention Relating to the Status of Refugees, art. 1

2. available at: <https://www.unhcr.org/refugee-statistics>

در همین زمینه پژوهش حاضر به دنبال پرسشی مبنی بر چگونگی تضمین حقوق پناهندگان در اتحادیه اروپایی با فرضیه‌ای مبنی بر وجود سازوکارهای مشخص در مقررات اتحادیه و آرای قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه موضوع مورد نظر، شامل دو بخش است؛ در بخش اول حقوق پناهندگان در بدو ورود به اتحادیه در قالب مقررات ارکان قانونگذار و در بخش دوم حقوق پناهندگان به واسطه اقامت در اتحادیه با استناد بر آرای مهم دادگاه اروپایی حقوق بشر بررسی خواهد شد.

## ۲. حقوق پناهندگان در مقررات اتحادیه اروپایی

درخواست پناهندگی و پناهنده بودن در حقوق بین‌الملل به عنوان یک حق شناسایی می‌شود. بر اساس ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup> هر کسی حق دارد در برابر آزار پناهی را جست‌وجو کرده و در سایر کشورها پناه اختیار کند. این حق همچنین در کنفرانس جهانی ملل متحد در مورد حقوق بشر ( Vienna Declaration and Program of Action, 1993: 23) در سال ۱۹۹۳ تأیید شده و بخشی از پیش‌نویس منشور اروپایی حقوق اساسی<sup>۲</sup> را به خود اختصاص داده است.

به واسطه شناسایی حقوق مشخص پناهندگان در حقوق بین‌الملل از جمله کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگی و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ یا پروتکل نیویورک، اساسنامه کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل<sup>۳</sup>، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر معاهدات منطقه‌ای و جهانی در این حوزه، کشورهای عضو جامعه جهانی و ملل متحد باید در راستای تضمین هرچه بیشتر این حقوق باید تلاش کنند و همکاری لازم را به عمل آورند.

پس از جنگ‌های جهانی و در پی تحولات مناطق همسایه اتحادیه اروپایی، بحران پناهندگی جدی‌ترین بحران انسانی این اتحادیه محسوب می‌شود و در این زمینه اتحادیه تلاش کرده است تا با در نظر داشتن پروسه‌ها و عملکردهای مناسب قضایی و حقوقی در سطوح مختلف پذیرش، جذب و کنترل این افراد تا حد ممکن موفق و کارآمد باشد.

این تصمیم مهم در اقدامات ارکان مهم تصمیم‌گیرنده اتحادیه اروپایی دنبال شده است. اولین دسته از اسناد حمایتی مهم در قلمرو این اتحادیه در قالب ارکان تقنینی اتحادیه به تصویب رسیده است و دسته دوم شامل اقدامات ارکان تصمیم‌گیرنده اتحادیه از جمله شورای اروپایی است و به همین ترتیب مهاجران در ورود خود به اتحادیه مشمول مقررات ارکان تقنینی بوده و تضمین حقوق آنها برای ورود به اروپا از مقررات تصویب‌شده از سوی این ارکان به دست می‌آید و سپس با پذیرش اقامت آنها در اتحادیه، حقوقی

1. Universal Declaration of Human Rights, art. 14

2. Draft Charter of Fundamental Rights of European Union, art. 18

3. Statute of the Office of the United Nations High Commissioner for Refugees, 1950

که حاصل اقامت آنهاست در مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که توسط شورای اروپایی به تصویب رسیده است، با توسل به رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در این زمینه تبیین می‌شوند. بخش حاضر در راستای بررسی اقدامات ارکان تقنینی اتحادیه از دو بخش تشکیل خواهد شد، بررسی ارکان تقنینی اتحادیه اروپایی و مقررات تصویب‌شده در زمینه حقوق پناهندگان.

## ۱.۲. ارکان تقنینی اتحادیه اروپایی

آنچه اساس و پیکره ارکان تقنینی اتحادیه اروپایی را شکل می‌دهد، نهادهای مهم جامعه اروپایی بود که اصلاح و تدوین شده و طبق ماده ۱۳ معاهده ماستریخت<sup>۱</sup> معرفی شده‌اند. بدین صورت که کمیسیون اروپایی جامعه اروپایی با عنوان کمیسیون اروپایی به‌منزله حامی منافع کلان اتحادیه اروپایی شناخته می‌شود که هریک از دولت‌های عضو اتحادیه دارای یک نماینده در آن است و تعیین سیاست‌های کلی قانونگذاری در اتحادیه، اجرای قوانین و نظارت بر حسن اجرای آنها از وظایف این نهاد به‌شمار می‌رود (Gabel, 2021: 1-5)، مجمع مشترک جامعه اروپایی نام پارلمان اروپایی را از آن خود کرد و امروزه متشکل از ۷۰۵ عضو است که به‌واسطه رأی مستقیم شهروندان اتحادیه اروپایی برای پنج سال تعیین می‌شوند. بسته به جمعیت هر کشور تعداد آنها نیز متغیر است و بر اساس عقاید سیاسی مختلف و گروه‌های سیاسی دسته‌بندی می‌شوند (Cuyvers et al., 2017: 80)، شورای وزیران که اهمیت وجودی آن به‌گونه‌ای بود که تمامی قوانین جامع I اروپایی نیازمند تصویبش بودند، به شورای اتحادیه اروپایی تغییر نام داد و نقش مهمی در کنار پارلمان اروپایی برای تصویب قوانینی که سیاست‌های کلی آن را کمیسیون تعیین می‌سازد، پیدا کرد (Cuyvers et al., 2017: 86).

سه نهاد پارلمان، کمیسیون و شورای اتحادیه اروپایی امروز از ارکان اصلی تقنینی در اتحادیه اروپایی محسوب می‌شوند که مقررات و قوانین اصلی اتحادیه به‌واسطه همکاری آنها تصویب شده و پس از پذیرش اعضای اتحادیه به‌عنوان تعهدی لازم‌الاجرا در نظر گرفته می‌شوند.

## ۲.۲. قوانین و مقررات اتحادیه اروپایی در زمینه حقوق پناهندگان

بررسی قوانین مرتبط با حمایت از حقوق پناهندگان در وسعت ارکان تقنینی اتحادیه اروپایی نیازمند بررسی دوره‌های تاریخی اتحادیه و تصویب اسناد مربوطه در هریک از دوره‌های تاریخی است. از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۹۲ یعنی پیش از ظهور معاهده ماستریخت، سیاست‌های اداره و کنترل اتباع بیگانه و پناهندگان در دست کشورهای عضو جامعه اروپایی بود. در آن زمان نقش مجمع مشترک جامعه

1. Treaty on European Union, art. 13

اروپایی و دیوان دادگستری اروپایی، نهاد پاسدار اجرای قوانین اتحادیه از سوی دولت‌های عضو، بسیار کم‌رنگ بوده و این دو نهاد صرفاً نهادهای مشورتی تلقی می‌شدند (Ette & Verlag, 2017: 32-33). در این میان تنها سند تصویب‌شده در خصوص حمایت و کنترل پناهندگان کنوانسیون دوبلین ۱۹۹۰ است. این کنوانسیون که در پی راهکاری برای کنترل مهاجران در جامعه اروپایی اتخاذ شده بود، در سال ۱۹۹۰ به ثمر نشست است، ولی تا سال ۱۹۹۷ اجرایی نشد و پس از اجرا نیز به دلیل مقررات ترجیحی‌اش اصلاح شد، اما کماکان در عمل ناموفق است. از جمله مقررات کنوانسیون برای کنترل پناهندگان این است که با توجه به ماده ۳ این کنوانسیون، کشوری که مسئول رسیدگی به وضعیت پناهندگی فرد پناه‌جوست، با توجه به مقررات داخلی خود عمل خواهد کرد و در این زمینه با توجه به سایر مواد اگر تشخیص دهد که کشور دیگری رابطه بیشتری با درخواست فرد دارد و مسئول رسیدگی به وضعیت فرد است، می‌تواند فرد پناهنده را با رعایت اوضاع و شرایط مناسب به کشور دیگر بفرستد. مقررات دوبلین سبب آشفتگی در قلمرو اتحادیه شد، چراکه بسیاری از کشورهای مرفه اتحادیه اروپایی با استناد به این کنوانسیون درخواست‌های پناهندگی افراد را به سایر کشورهای فقیرتر اتحادیه می‌فرستادند و کشورهای همچون یونان سال‌هاست با مشکلات اقتصادی و اجتماعی برآمده از این امر دست و پنجه نرم می‌کنند (Fullerton, 2017: 55).

در پی ظهور معاهده ماستریخت تا سال ۱۹۹۹ یعنی ظهور معاهده اصلاحی آمستردام، اتحادیه اروپایی جان گرفت و رسماً شناسایی شد و در این زمینه مسئله پناهندگی در اتحادیه به‌عنوان مسئله مشترک اعضا مورد توجه قرار گرفت (Ette & Verlag, 2017: 34-35). در این زمان هنوز هم پارلمان و دیوان دادگستری اروپایی صلاحیت غیرالزامی در این حوزه داشتند، اما با جان گرفتن روند تصویب اسناد مختلف به مرور نقش آنها در این زمینه پررنگ شد. از جمله اسناد مهم اتحادیه در این دوران، موافقت‌نامه شنگن ۱۹۹۹ است. به موجب ماده ۵ این سند، مقررات رفت‌وآمد در قلمرو اتحادیه تأثیری بر حق بر پناهندگی ندارد و در همین زمینه ماده ۲۸ تعهد دولت‌ها در خصوص کنوانسیون ۱۹۵۱ در رابطه با وضعیت پناهندگی را متذکر شده و رعایت حقوق پناهندگان طبق این کنوانسیون را برای اعضای اتحادیه ضروری می‌داند. با توجه به ماده ۲۹ رد کردن درخواست پناهندگی تنها با توجه به قانون ملی کشورهای عضو اتحادیه و قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل باید صورت گیرد و با توجه به ماده ۳۱ دولت مسئول رسیدگی وضعیت پناهندگی فرد باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن شناسایی شود و بررسی را آغاز کند و اگر پناهنده در کشوری از اتحادیه باشد که آن کشور بر اساس درخواست پناهندگی مسئول رسیدگی نیست، باید کشور مسئول در جریان قرار گیرد و وضعیت فرد به آن ارجاع شود.

1. Convention Determining the State Responsible for Examining Applications for Asylum lodged in one of the Member States of the European Communities, 1990.

دوره تاریخی بعدی فاصله زمانی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ را در برمی گیرد که در خلال این سال‌ها سیاست مشترک پناهندگی و مهاجرت در اتحادیه اروپایی، کشورهای عضو را متعهد به وضع و توسعه چارچوب حقوقی در این زمینه کرد و در قالب سیستم مشترک اروپایی با همکاری شورای اتحادیه اروپایی و پارلمان اروپایی اسنادی در زمینه حقوق پناهندگان به تصویب رسید که از جایگاه بالایی برخوردارند.

در سال ۲۰۰۰ برای کارایی بهتر کنوانسیون دوبلین سندی به تصویب رسید که سیستم مشترک اروپا برای ثبت پناهندگان با اثر انگشت<sup>۱</sup> نام داشت. بر اساس این سند پناهندگان به محض ورود به قلمرو اتحادیه اروپایی با ثبت اثر انگشت رصد می شوند تا در این زمینه با توسل به مقررات کنوانسیون دوبلین کشوری که بیشترین رابطه را برای بررسی وضعیت پناهندگی فرد دارد، تعیین شود و بررسی را آغاز کند. در سال ۲۰۰۱ سندی<sup>۲</sup> به تصویب شورای اتحادیه اروپایی می رسد که استانداردهای حمایت موقت از افرادی را بیان می دارد که به صورت دسته جمعی آواره شده یا به قلمرو اتحادیه مهاجرت کرده اند. این دسته افراد به دلیل شرایط مهاجرت و پناهندگی دسته جمعی، تا بررسی درخواست پناهندگی شان باید مورد حمایت موقت اعضای اتحادیه باشند و محل اقامت و شرایط زندگانی مناسب تا پایان بررسی اسناد هویتی و درخواست پناهندگی آنها باید فراهم باشد.

در سال ۲۰۰۳ در راستای مشکلات برآمده از اعمال کنوانسیون دوبلین شورای اتحادیه اروپایی سند مقررات دوبلین دو<sup>۳</sup> را به تصویب می رساند که جایگزین کنوانسیون دوبلین می شود و سازوکارهای شناسایی کشور مسئول برای رسیدگی به بررسی وضعیت پناهندگی را گسترش داده و در این زمینه این تعهدات را به سایر کشورهای اروپایی که عضو اتحادیه اروپایی نیستند نیز تسری می دهد. بر اساس این مقررات کشوری که اولین مقصد پناهنده است، مسئول رسیدگی به وضعیت و درخواست پناهندگی وی است. این مقررات دو هدف مهم را دنبال می کند، اول از سرگردانی افراد نیازمند حمایت در قلمرو اتحادیه جلوگیری می کند و دوم از اینکه افراد پناهجو از کشوری به کشور دیگر در قلمرو اتحادیه جابه جا شوند تا بهترین موقعیت زندگی خود را پیدا کنند، جلوگیری می کند و در پی بهترین مقصد برای فرد پناهجو وضع شده است (Adenauer, 2017: 4).

در سال ۲۰۰۴ سند استانداردهای کیفی در پذیرش افراد تبعه کشوری غیر از کشورهای اتحادیه و افراد بی تابعیت و پناهنده<sup>۴</sup> به تصویب می رسد. این سند افراد پناهجو را در دو دسته بررسی می کند؛ دسته اول افرادی هستند که شایسته وضعیت پناهندگی هستند و ترس از تهدید و آزار برای آنها با توجه به ماده

1. Council Directive, 2000: No. 2725/EC

2. Council Directive, 2001: No. 55/EC

3. Council Directive, 2003: No. 343/EC

4. Council Directive, 2004: No. 83/EC

۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ وضعیت پناهندگی منطقی و مورد قبول است، اما دسته دوم افرادی هستند که درخواست آنها شناسایی وضعیت پناهندگی نیست، بلکه نیازمند امداد و خدمات کمکی هستند و به طور معمول این افراد نیازمند تجدید اقامتی‌اند که به نسبت اقامت افراد پناهنده کوتاه‌تر است.

در سال ۲۰۰۵ سند استانداردهای موردنظر برای پروسه اعطا یا برداشتن وضعیت پناهندگی از سوی دولت‌های عضو اتحادیه<sup>۱</sup> به تصویب می‌رسد. بر اساس مواد این سند اعضای اتحادیه موظف به برگزاری مصاحبه شخصی با فرد پناهجو برای بررسی وضعیت او هستند، باید اطلاعات مورد نیاز فرد را به زبانی که متوجه شود، در اختیارش قرار دهند، باید اجازه تجدیدنظر در صورت عدم قبولی درخواست پناهندگی در نظر گرفته شود و در نهایت مشاوره حقوقی و دسترسی پناهجویان به امداد لازم از جمله همکاری با کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل باید در روند بررسی وضعیت فرد پناهجو در نظر گرفته شود.

در سال ۲۰۰۸ به پیشنهاد کمیسیون اروپایی و با موافقت پارلمان و دیوان دادگستری اروپایی و همچنین کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، اصلاح مجدد مقررات دبلین دوم در دستور کار اتحادیه قرار گرفت و در نهایت مقررات دبلین سه<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۳ جایگزین مقررات دبلین دوم شد. بر اساس مقررات دبلین سه، کشور مسئول رسیدگی به وضعیت پناهندگی فرد به تناسب سلسله مراتب پیوندی میان فرد و آن کشور از جمله خانواده، اسناد اقامتی و ویزای فرد، ثبت اثر انگشت و غیره تعیین می‌گردد. به موجب ماده ۵ این مقررات فرد پناهنده حق بر داشتن اطلاعات از روند بررسی درخواست خود را دارد و این اطلاعات باید به زبانی که او متوجه شود در اختیارش قرار گیرد، به موجب ماده ۵ مصاحبه شخصی با فرد به زبانی که متوجه می‌شود صورت می‌گیرد، بر اساس ماده ۶ در مورد بررسی وضعیت پناهندگی کودکان باید بهترین منفعت کودک مورد توجه کشور مسئول باشد، بر اساس ماده ۸ حقوق کودکی که بی سرپرست است، به بهترین نحو باید تضمین شود و رساندن طفل به خانواده‌اش از تعهدات اعضاست. در ماده ۱۲ حمایت بین‌المللی از پناهنده‌ای که مدارک معتبر اقامتی دارد، لازم تلقی شده و ماده ۲۷ به لزوم وجود امداد حقوقی برای افراد و همچنین حق درخواست تجدیدنظر در بررسی اشاره کرده است.

با تصویب اسناد ذکر شده و همچنین روی کار آمدن معاهده لیسبون، پروسه‌ای فراملیتی در خصوص کنترل و حمایت پناهندگان در اتحادیه دنبال می‌شود، چراکه به موجب مقررات اصلاحی معاهده لیسبون نقش پارلمان و همچنین صلاحیت دیوان دادگستری اروپایی بیشتر می‌شود و پروسه تصویب اسناد مرتبط با این حوزه با جدیت بیشتری دنبال می‌شود.

از سال ۲۰۱۵ اصلاحیه‌های متعددی بر اسناد تصویب شده مذکور ارائه شده است، از جمله نجات دریایی و مبارزه با قاچاق انسان، کنترل بر مرزهای خارجی اتحادیه اروپایی و کنترل مهاجرت در اتحادیه،

1. Council Directive, 2005: No.85/EC

2. Regulation of European Parliament and Council, 2013: No.604/EU



بهبود سیستم مشترک ثبت پناهندگان در مرزهای خارجی اتحادیه، همکاری با کشورهای ثالث در راستای بررسی علل مختلف جنگ و آوارگی و توسعه بیشتر در زمینه کانال‌های مهاجرت عادی (Adenauer, 2017: 5).

به تازگی در سال ۲۰۲۰ کمیسیون اروپایی یک سند پیش‌نویس در مورد پناهندگی و مهاجرت در اتحادیه را پیشنهاد کرده که در اتحادیه در حال بررسی است. به موجب این سند تعهد بر حمایت از مهاجران و پناهندگان و نیاز اروپا برای مهاجرت باید در نظر کشورهای اتحادیه مهم تلقی شود. همچنین از اهداف مهم این سند ایجاد پرونده‌های مهاجرتی مؤثر و مناسب، کاهش مسیرهای ناامن و نامناسب برای مهاجرت و ارتقای مسیرهای حقوقی پایدار و سالم برای افراد محتاج به حمایت است. این سند پیش‌نویس همچنین مدیریت مؤثر و مناسب مرزهای خارجی اتحادیه از طریق هویت، سلامت و موارد امنیتی مهاجران را لازم می‌شمارد، نیازمند مقررات مؤثر در خصوص پناهندگان و به دنبال مکانیزمی متحد برای یافتن علل، فشارها و بحران‌های مهاجرت است. همکاری منفعت‌رسان با کشورهای متبوع افراد و کشوری که فرد به آنجا فرستاده خواهد شد را در نظر دارد و در نهایت حمایت از ادغام سیاست‌های مؤثر و توسعه مسیرهای حقوقی پایدار برای افراد نیازمند حمایت و به‌ویژه جذب نخبگان به اتحادیه اروپایی را در زمره اهداف مهم خود می‌داند (Digidika & Bhabha, 2022: 291-296).

### ۳. حقوق پناهندگان در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر

پناهنده فردی نیست که کشورها به دنبال اخراج وی باشند، بلکه فردی است که جامعه جهانی باید از او حمایت لازم را به عمل آورد (Durieux, 2008: 2). بر مبنای همین نظر پناهندگان در اتحادیه در کنار بهره‌مندی از حقوق اولیه برای ورود به قلمرو اتحادیه و به دنبال اقامت در کشورهای عضو اتحادیه از حقوق بهره‌مند می‌شوند که لازمه اقامت و زندگی بهتر در اتحادیه تلقی شده و اساس آن بر مبنای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تنظیم شده است.

ایده حمایت از حقوق بشر در اروپا همزمان با جان گرفتن مراحل اولیه حیات جامعه اروپایی به وجود آمد و در این زمینه شورای اروپایی بهترین گزینه برای ایجاد یک معاهده حقوق بشری برای اروپا بود (Weil, 1963: 805).

این شورا یکی از هفت رکن اصلی، مستقل از اتحادیه اروپایی است که در زمینه تصویب معاهدات حقوق بشری فعالیت می‌کند و ۴۷ کشور اروپایی به اضافه روسیه و ترکیه در آن عضو هستند (Fullerton, 2017: 51). اعضای شورا به واسطه عضویت در شورا، عضو مهم‌ترین سند حمایت از حقوق بشر یعنی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که تحت نظر این نهاد منعقد شده هستند و در کنار التزام به

قوانین و استانداردهای اتحادیه، بر اساس ماده ۳ اساسنامه<sup>۱</sup> باید حاکمیت قانون و بهره‌مندی اشخاص در قلمرو حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را به رسمیت بشناسند و به صورت مؤثر و با حسن نیت در راستای شناسایی اهداف شورا تلاش کنند.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۲</sup> به‌عنوان مهم‌ترین سند حقوق بشری اتحادیه شامل مواد مهمی در راستای تضمین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در اتحادیه اروپایی است و از جمله موارد مهم آن تأسیس نهادی به نام دادگاه اروپایی حقوق بشر است، محکمه قضایی بین‌المللی که پاسدار تفسیر و اجرای مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده و در طول حیات خود با آرا و تصمیمات مهم خود تأثیر بسزایی در تضمین حقوق بشر در اتحادیه داشته است.

#### ۴. مواد استنادی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حقوق پناهندگان

باید گفت که اگرچه منشور حقوق اساسی اروپا به موجب ماده ۱۸ حق بر پناهندگی را برای افراد در اروپا شناسایی کرده است، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که مفادش برگرفته از حقوق بین‌الملل بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین منشور حقوق اساسی اروپاست، هیچ ماده صریحی در خصوص حق بر پناهندگی و تضمین حقوق پناهندگان در اتحادیه ندارد (Mole & Meredith, 2010: 32-33)، بلکه این نهاد مهم پاسدار این کنوانسیون است که با آرا و تصمیمات مهم خود حقوق پناهندگان در اتحادیه را به‌طور ضمنی با تفسیر مواد مهم کنوانسیون شناسایی می‌کند و بر رعایت آن اصرار می‌ورزد.

دادگاه اروپایی حقوق بشر به‌عنوان یک محکمه منطقه‌ای ارتباط اصلی و ساختاری با حقوق بین‌الملل و به‌ویژه حقوق بین‌الملل بشر دارد (Wildhaber, 2007: 230) و در راستای تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر سایر تعهدات حقوق بشری دولت‌های عضو را مورد توجه قرار می‌دهد. در خصوص زمینه خاص حقوق پناهندگان نیز دادگاه با دو هدف مهم به بررسی می‌پردازد، اول اینکه اهداف و صلاحیت خود در راستای تضمین حقوق پناهندگان را در قلمرو جغرافیایی اروپا توسعه می‌دهد و دوم اینکه تأکید دارد که حقوق پناهندگان در اتحادیه زیر نظر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و در راستای توجه به معاهدات حقوق بشری از جمله کنوانسیون ۱۹۵۱ وضعیت پناهندگی و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ که اعضا متعهد به آن شده‌اند، بررسی شود (Fullerton, 2017: 62).

این مسئله سبب شده است تا با تفسیر مقررات کلی کنوانسیون اروپایی و توجه به معاهدات حقوق بشری دولت‌ها در این زمینه، دسته‌ای از حقوق در بین مواد مهم کنوانسیون به‌طور ضمنی در نظر دادگاه ارزشمند تلقی شود و توقع پایبندی دولت‌ها به این نظر را تقویت کند.

1. Statute of the Council of Europe, 1949: art. 3

2. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, 1950.

از بین مواد مختلف کنوانسیون مهم‌ترین مواد استنادی دادگاه اروپایی برای تضمین حقوق پناهندگان عبارت‌اند از ماده ۳ مبنی بر جلوگیری از رفتار نامناسب و تحقیرآمیز با افراد، ماده ۶ مبنی بر حق بر دادرسی منصفانه، ماده ۸ مبنی بر حمایت از زندگی شخصی و خانوادگی افراد، ماده ۱۴ مبنی بر رعایت عدم تبعیض در خصوص حقوق بشری افراد، ماده ۱ پروتکل الحاقی ۷ مبنی بر حق بر داشتن دلیل برای اخراج افراد مقیم قانونی اتحادیه و ماده ۴ پروتکل الحاقی چهارم مبنی بر ممنوعیت اخراج دسته‌جمعی اتباع بیگانه.

باید گفت که تضمین حقوق پناهندگان از طریق رویه قضایی دادگاه محدود به مواد ذکر شده نمی‌شود و سایر مواد کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی نیز در نظر دادگاه مهم تلقی می‌شوند، اما مجال این پژوهش برای بررسی تمامی موارد مورد استناد کافی نیست و اساسی‌ترین آنها مورد توجه قرار گرفته است.

### ۵. رویه‌های قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حقوق پناهندگان

اساسی‌ترین ماده کنوانسیون در راستای تضمین حقوق پناهندگان در نظر دادگاه اروپایی ماده ۳ است. بر اساس این ماده دولت‌های عضو از اینکه افراد را در معرض تنبیه و اعمال غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار دهند، منع شده‌اند. این ماده بیان صریحی درباره پناهندگان ندارد، اما در دو زمینه مهم مورد توجه دادگاه قرار گرفته و با تفسیری موسع تعهد بر جلوگیری از رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز برای پناهندگان و مقیمان اروپا مورد تأکید قرار گرفته است. گاهی ماده ۳ در راستای تضمین اصل مهم منع بازگرداندن اجباری و عدم اخراج پناهنده در نظر دادگاه تفسیر شده و گاهی ماده سوم در کنار توجه به منع بازگرداندن اجباری و اخراج در خصوص شرایط زندگانی فرد در اروپا مورد توجه واقع شده است (Lambert, 2005: 40).

آنجا که ماده ۳ در توجه به اصل منع بازگرداندن اجباری و اخراج که در مواد ۳۲ و ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان بیان شده‌اند مورد توجه قرار می‌گیرد، جلوگیری از رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز تعهدی در نظر گرفته می‌شود که بازگرداندن اجباری یا اخراج پناهنده بدون در نظر داشتن تبعات این عمل ممکن است پناهنده را در معرض وضعیتی تحقیرآمیز و رفتاری غیرانسانی قرار دهد. اولین پرونده در بررسی تعهد بر منع بازگرداندن اجباری افرادی طبق ماده ۳ قضیه سوئرینگ علیه بریتانیا بود. دیوان بیان می‌دارد که اعاده جنز سوئرینگ<sup>۱</sup> که متهم به قتل در آمریکا است، خلاف تعهدات حقوق بشری کشور عضو کنوانسیون است، چراکه با عضویت در کنوانسیون ۱۹۵۱ طبق مواد ۳۲ و ۳۳ تعهد منع بازگرداندن اجباری برای بریتانیا ضروری است و از طرف دیگر این کشور عضو کنوانسیون منع شکنجه بوده و بر اساس ماده سوم این کنوانسیون تعهد منع بازگرداندن اجباری در صورت تهدید شکنجه و رفتار غیرانسانی

وجود دارد و بر این اساس فرد به دلیل مشکلات روحی و جسمانی خود با رفتن به کشوری که او را می‌طلبد، با خطر مواجه است و تعهد بریتانیا در جلوگیری از رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز در خصوص سوئرینگ با توجه به سایر تعهدات حقوق بشری سنجیده می‌شود که با بازگرداندن اجباری فرد نقض می‌شود (ECtHR Reports, 1989: Para. 86-88).

نظر دادگاه در قضیه سوئرینگ در بررسی پرونده چاهال<sup>۱</sup> علیه بریتانیا در خصوص پناهندگان مورد توجه قرار گرفت و دادگاه کرد که اقدام بریتانیا در بازگرداندن اجباری تبعه هند به هند اگرچه با دلایل امنیت ملی صورت گرفته است، اما فرد را به دلیل اقدامات جدایی طلبانه خود با خطر تنبیه غیرانسانی در هند مواجه خواهد کرد که نقض ماده ۳ کنوانسیون خواهد بود (ECtHR Reports, 1996: Para. 76). در پرونده معروف صلاح شیخ علیه هلند دادگاه بیان کرده است که هلند پناهنده سومالی را نباید به سومالی بفرستد، چراکه شرایط بحرانی وی را مجبور به فرار کرده است و در صورت بازگرداندن اجباری باز هم مجبور به فرار خواهد بود. دادگاه در این پرونده بیان می‌دارد که اگرچه حق بر پناهندگی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های الحاقی اش نیامده، اما حق بر عدم اخراج و بازگرداندن اجباری پناهنده طبق ماده ۳ کنوانسیون تعهدی ضروری است که به صورت ضمنی در نظر گرفته می‌شود و اخراج پناهنده به کشوری که خطری وی را تهدید می‌کند، نقض ماده ۳ را تقویت می‌کند و در نهایت به مسئولیت دولت منجر خواهد شد (ECtHR Reports, 2007: Para. 135) و در پرونده‌ای علیه سوئد دادگاه بیان می‌دارد که بازگرداندن اجباری پناهنده افغانی که از همسر خود جدا شده است، سبب می‌شود تا به دلیل مذموم بودن این امر در افغانستان با وضعیت و رفتاری تحقیرآمیز روبه‌رو شود و سوئد بر اساس ماده ۳ تعهد بر جلوگیری از این امر دارد (ECtHR Reports, 2010: Para. 62). گاهی حمایت بیان شده در ماده ۳ مبنی بر ممنوعیت بازگرداندن اجباری در کنار ماده ۴ پروتکل الحاقی چهار کنوانسیون اروپایی نیز دنبال شده است.

بر اساس ماده ۴ پروتکل چهار الحاقی کنوانسیون اروپایی، کشورهای عضو با تعهد مهم ممنوعیت اخراج دسته‌جمعی اتباع بیگانه روبه‌رو هستند. تأکید دادگاه اروپایی بر این ماده در توجه به ماده ۳ کنوانسیون بسیار جدی است و در همین خصوص در پرونده‌ای علیه بلژیک بیان کرده است که زمینه‌های اخراج که در نظر دولت‌ها مهم‌اند، در برابر این ماده معافیتی ایجاد نمی‌کنند و در صورت عدم پایبندی به این ماده بار اثبات عدم نقض ماده با دولت است (ECtHR Reports, 2002: Para. 59). دادگاه در پرونده هیرسی جاما علیه ایتالیا در خصوص اعمال ماده ۴ پروتکل الحاقی چهارم به حدی پیش رفته است که حتی صلاحیت خود در خصوص اعمال دولت‌ها در مناطق آزاد دریایی را نیز شناسایی

می‌کند. در این پرونده ۲۰۰ نفر از اتباع سومالی و اریته با کشتی از مسیر لیبریا به سمت اروپا در حال جابه‌جایی بودند که ایتالیا در دریای آزاد این کشتی را توقیف کرد و سپس بدون دادن شانس به افراد برای درخواست پناهندگی، آنها را با کشتی نظامی به کشورشان فرستاد. دادگاه در بررسی این پرونده صلاحیت فراسرزمینی برای خود قائل شد و ایتالیا را ناقض کنوانسیون اروپایی دانست ( ECtHR Reports, 2012: Para. 199-200).

اما در کنار حمایت در برابر اخراج و بازگرداندن اجباری، دومین کارکرد ماده ۳ کنوانسیون تضمین حقوق پناهندگان در قلمرو کشورهای اروپایی است. پرونده‌هایی با چنین مشخصاتی به‌طور معمول تعهد ماده ۳ را در خصوص بهره‌مندی فرد از حق بر اقامت و داشتن حداقل معیارهای زندگی شخصی و خانوادگی، عدم تبعیض و حمایت علیه رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز در زندان مورد توجه قرار داده‌اند. در خصوص حقوقی مانند اقامت و داشتن حداقل زندگی تعهد دولت‌ها در راستای ماده ۳ در کنار ماده ۸ کنوانسیون یعنی تعهد بر تضمین حق افراد بر داشتن زندگی شخصی و خانوادگی در نظر گرفته شده است. برای مثال در پرونده نصری علیه فرانسه دادگاه اخراج فرد کر و لالی را که از چهارسالگی توسط خانواده‌ای فرانسوی به فرزندی قبول شده بود، رفتاری غیرانسانی دانست که وی را از داشتن زندگی شخصی و خانوادگی طبق ماده ۸ کنوانسیون محروم می‌کرد (ECtHR Reports, 1995: Para. 46) و یا در پرونده بنساید<sup>۱</sup> علیه بریتانیا دادگاه تفسیری موسع از زندگی شخصی ارائه می‌دهد و بیان می‌دارد که خواهان به دلیل مشکلات روانی خود از الجزایر به بریتانیا برای درمان آمده است و فرستادنش به الجزایر سبب می‌شود از این خدمات محروم شود که در نتیجه حق بر داشتن زندگی شخصی را از دست می‌دهد، چراکه زندگی فرد مجموعه‌ای از حالات روحی و جسمانی بوده و با رفتن به الجزایر بعد از زندگی وی در خطر است، این نوعی نقض ماده ۸ کنوانسیون است (ECtHR Reports, 2001: Para. 48).

در توجه به اصل عدم تبعیض، دادگاه تعهد ماده ۳ را با ماده ۱۴ مبنی بر ممنوعیت تبعیض در نظر دارد. برای مثال در پرونده پویرز<sup>۲</sup> علیه فرانسه دیوان بیان می‌دارد که عدم پرداخت کمک‌هزینه به خواهان که دارای معلولیت هم است، رفتار غیرانسانی و تبعیضی است، چراکه این هزینه منفعت حقوقی و اجتماعی فرد است و محروم شدن از آن تبعیضی در تضمین حقوقش در نظر گرفته می‌شود ( ECtHR Reports, 2003: Para. 36-43). در این زمینه در پرونده‌ای دیگر علیه یونان دادگاه اصل عدم تبعیض را دارای بعد منفی و مثبت دانسته است، بدان معنی که موقعیت‌های مختلف اعمال متفاوت مناسب از سوی دولت‌ها را می‌طلبد که اگر دولت مناسب با موقعیت رفتار نکند، نقض ماده ۱۴ کنوانسیون خواهد بود و رفتار دولت با هر فرد بسته به شرایط اوست (ECHR Reports, 2000: Para. 37).

1. Bensaid  
2. Poirrez

در نهایت در استناد به ماده سوم کنوانسیون برای تضمین حقوق افراد در شرایطی مانند زندان، دادگاه در پرونده هورتادو<sup>۱</sup> علیه سوئیس دستگیری خشونت‌آمیز فرد، عوض نکردن لباس خاکی وی که زخم‌هایش را تشدید می‌کرد و دسترسی نداشتن به خدمات پزشکی را نقض ماده ۳ در زندان دانست ( ECtHR Reports, 1994: Para. 13). در زمینه نقض ماده ۳ در زندان، دادگاه دولت‌ها را متعهد به بررسی علت رفتار نامناسب در راستای جلوگیری از آن می‌داند. برای مثال در پرونده‌ای علیه بلژیک خواهان ۱۴ ساله ادعا کرد که در زندان توسط پلیس کتک خورده است و دادگاه دولت را برای اعمال تعهد ماده ۳ متعهد به بررسی علت این صدمه و جلوگیری از آن دانست (ECtHR Reports, 1998: Para. 92).

در کنار ماده ۳ توجه دادگاه به سایر مواد مذکور نیز درخور ذکر است. برای مثال در پرونده‌ای علیه فرانسه و اسپانیا در خصوص نقض ماده ۶ کنوانسیون مبنی بر تعهد دولت‌ها بر تضمین دادرسی منصفانه برای افراد، دادگاه بیان می‌دارد که اگرچه تعهد دولت‌ها طبق این ماده به معنای تعهد بر تضمین رعایت این حق از جانب سایر دول نیست، اما اگر با کشوری همکاری نمایند که این حق را در نظر ندارد و فرستادن فرد به آن کشور سبب شود که دسترسی وی به دادرسی منصفانه نقض شود، دولت‌های عضو کنوانسیون متعهد به قطع همکاری هستند (ECtHR Reports, 1992: Para. 110). دادگاه در پرونده سوئینگ علیه بریتانیا بیان می‌دارد که حق بر دادرسی منصفانه در رسیدگی کیفری جایگاه مهمی در جوامع دموکراتیک دارد و وقتی پناهنده در خطر نقض این حق توسط کشور متقاضی باشد، دادگاه ایفای تعهد اصلی ماده برای دولت‌ها را واجب می‌شمارد (ECtHR Reports, 1989: Para. 113).

در نهایت در پرونده‌ای علیه فرانسه دادگاه در توجه به تعهد ماده ۱ پروتکل الحاقی هفتم کنوانسیون، بیان کرده است که پناهنده‌ای که به صورت قانونی مقیم کشور عضو کنوانسیون باشد فقط به حکم قانون اخراج می‌شود و در این زمینه از حق بر ارائه دلیل علیه این اقدام و درخواست تجدیدنظر است ( ECtHR Reports, 2000: Para. 36-37).

## ۶. نتیجه

کنترل بحران پناهندگی در اروپا در کنار تعهد به تضمین حقوق پناهندگان از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپایی از اولویت‌های مهم اتحادیه است. تضمین حقوق پناهندگان در اتحادیه به واسطه مقررات تصویب‌شده ارکان تقنینی اتحادیه از جمله پارلمان و شورای اتحادیه اروپایی و همچنین رویه‌های قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر صورت می‌گیرد. پناهندگان در بدو ورود به قلمرو اتحادیه و در دوران انتظار برای ثبت و پذیرش درخواست خود مشمول حقوقی مانند رسیدگی توسط کشوری که بیشترین ارتباط با

1. Hurtado

وضعیت آنها دارد، بهره‌مندی از مشاوره و حمایت‌های حقوقی، اسکان مناسب، نوبت مصاحبه و اطلاع از روند بررسی درخواست پناهندگی و ... هستند. با پذیرش درخواست پناهندگی و اقامت در اتحادیه به موجب تفسیر دادگاه اروپایی حقوق بشر از مواد متعدد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، پناهندگان مشمول حقوقی همچون حمایت از زندگی شخصی و خانوادگی، ممنوعیت رفتار نامناسب و تحقیرآمیز، ممنوعیت بازگرداندن اجباری و اخراج، حق بر دادرسی منصفانه، بهره‌مندی از ضمانت اجرای مناسب و ... هستند. شیوه تضمین حقوق پناهندگان در اتحادیه اگرچه کماکان در عمل با مشکلاتی مانند عدم همکاری مؤثر و نقض تعهدات الزامی برخی کشورهای عضو مواجه است، اما می‌توان گفت که نمونه‌ای به نسبت موفق در جامعه جهانی قلمداد می‌شود و اتحادیه سالانه برای کارایی بهتر، اقدامات لازم به‌روزشده را در دستور کار قرار می‌دهد و تعهد به تضمین حقوق پناهندگان از سوی کشورهای عضو را امری الزام‌آور در زمینه کنترل پناهندگی تلقی کرده است.

## منابع

### ۱. فارسی

#### – مقاله

۱. موسی‌زاده، رضا و آذریندار، حمیدرضا (۱۳۹۷). سیر تحول تبیین مفاهیم پناهنده و پناه‌جو. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۲ (۱)، ۵-۲۸.

### ۲. انگلیسی

#### A) Books

1. Cuyvers, A., Ugirsashebuya, E., EvdasRuhangisa, J., & Ottervanger, T.(2017). *East African Community Law*. Brill.
2. Mole, N., & Meredith, C. (2010). *Asylum and the European Convention on Human Rights*. Council of Europe Publishing.

#### B) Articles

3. Ardenauer, K., Krause, C., & Wientzel, O. (2017). lessons from the Stress test: What the EU has Learned and still Needs to Learn From refugee Crisis. *Konrad Adenauer Stiftung*, 1-18.
4. Digidiki, V., & Bhabha, J. (2022). EU Migration Pact fails to Address Human Rights Concerns in Lesvos. Greece. *Health and Human Rights*, 22, 291-296.
5. Durieux, Jean.F (2008). Salah Sheekh is a Refugee: New Insights into Series. *Refugees Studies Center*, 49, 1-21.
6. Ette, A., & Verlag, B. (2017). Stocktaking the Europeanizing of Refugees and Migration Policies. *Budrich*.
7. Fullerton, M. (2017). Refugees and the Primacy of European Human Rights Law.

- UCLA Journal of International Law and Foreign Affairs*, 21 (1), 45-69.
8. Gabel, M.j. (2021). European Union. *Encyclopedia Britannica*, Available at: [//www.britannica.com/topic/European-union](http://www.britannica.com/topic/European-union).
  9. Sullivan, D. J., & Hawkins, A. (2019). Migrants and Refugees. *Horizons Journal of International Relations and Sustainable Development*, 13, Special Double Issue: The Great Game, 240-242.
  10. Weil, G. (1963). The Evolution of the European Convention on Human Rights. *The American Journal of International Law*, 57 (4), 804-827.
  11. Weilharber, L. (2007). The European Convention on Human Rights and International Law. *The International Comparative Law Quarterly*, 56 (2), 217-232.

### C) Documents

12. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Nov.4,1950.
13. Council Directive, (EC), Concerning the Establishment of "EURODAC" for the Comparison of Fingerprints for the Dublin Convention, No. 2725/2000, 2000.
14. Council Regulation, (EC), Establishing the Criteria and Mechanisms for Determining the members State Responsible for Examining an Asylum Application Lodged in one of the Member State by third Country national, No.343/2003, 18 Feb 2003.
15. Council Directive, (EC), on Minimum Standards for Giving Temporary Protection in the Event of a Mass Influx of Displaced Persons and on the Measures Promoting a Balance of Efforts Between Member States in receiving such Persons and Bearing the Consequences thereof, No. 55, 2001.
16. Council Directive, (EC), on Minimum Standards for the Qualification and Status of Third Country Nationals or Stateless Persons as Refugees or as Persons who otherwise Need international Protection and the Content of the Protection Granted, No.83, 2004.
17. Council Directive, (EU), on Minimum Standards on Procedures in Member States for Granting and Withdrawing Refugee Status, No.58, 2005.
18. Draft Charter of Fundamental Rights of European Union, 2000.
19. European Union, Treaty on European Union (Consolidated Version), Treaty of Maastricht, 7 February 1992, Official Journal of the European Communities C 325/5; 24 December 2002.
20. Regulation, (EU), No 604/2013 of the European Parliament and of the Council of 26 June 2013, Establishing the Criteria and Mechanisms for Determining the Member State Responsible for Examining an Application for International Protection lodged in one of the Member States by a Third-Country National or a Stateless Person.
21. Statute of the Council of Europe: London, 5th May 1949.
22. UN General Assembly, Convention Relating to the Status of Refugees, 28 July 1951, United Nations, Treaty Series, vol. 189, p. 137.
23. UN General Assembly, Protocol Relating to the Status of Refugees, 31 January 1967, United Nations, Treaty Series, vol. 606, p. 267.
24. UN General Assembly, Statute of the Office of the United Nations High Commissioner for Refugees, 14 December 1950, A/RES/428(V)
25. UN General Assembly, Universal Declaration of Human Rights, 10 December 1948.
26. Vienna Declaration and Program of Action, Un, GAOR, World Conference on Human Rights, 48<sup>th</sup> Session, 1993.



**D) Cases**

27. Bensaïd v. The United Kingdom, 44599/98, Council of Europe: European Court of Human Rights, 6 May 2001.
28. Chahal v. The United Kingdom, 70/1995/576/662, Council of Europe: European Court of Human Rights, 15 November 1996.
29. Conka v. Belgium, 51564/99, Council of Europe: European Court of Human Rights, 5 February 2002.
30. Assenov and Others v. Bulgaria, 90/1997/874/1086, Council of Europe: European Court of Human rights, 28 October 1998.
31. Drozd and Janousek v France and Spain, Admissibility and Merits, 12747/87, A/240, Council of Europe: European Court of Human rights, 26th June 1992.
32. Hurtado v. Switzerland, 37/1993/432/511, Council of Europe: European Court of Human Rights, 28 January 1994.
33. Hirsi jamaa and others v. Italy, 27765/09, Council of Europe; European Court of Human Rights, 23 February 2012.
34. Koua Poirrez v France, Merits, 40892/98, Council of Europe: European Court of Human Rights, 30th September 2003.
35. Maaouia v. France, 39652/98, Council of Europe: European Court of Human Rights, 5 October 2000.
36. N v. Sweden, 23505/09, Council of Europe: European Court of Human Rights, 20 July 2010.
37. Nasri v. France, 18/1994/465/546, Council of Europe: European Court of Human Rights, 21 June 1995.
38. Salah Sheekh v. the Netherlands, 1948/04, Council of Europe: European Court of Human Rights, 11 January 2007.
39. Soering v. The United Kingdom, 1/1989/161/217, Council of Europe: European Court of Human Rights, 7 July 1989.
40. Thilmmenos v. Greece, 34369/97, Council of Europe: European Court of Human Rights, 6 April 2000.

**References in Persian:**

**- Article**

1. Mousazadeh, R., & Azarpendar, H. (2018). The Process of Transformation of the Concepts of Refugee and Asylum Seeker. *Foreign Policy*, 32 (1), 5-28 (In Persian).

مقاله آماده انتشار